

# جشن بهمنگان

بهمنگان جشنی برای پاس داشتن  
اندیشه نیک و حمایت از حقوق حیوانات

مژگان آقاجانیان

کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی و پژوهشگر فرهنگ

ونکوور کانادا



## مختصری پیرامون اسطوره بهمن

کتیبه دایوش بیستون

وسواس ایرانیان باستان در پاک نگاه داشتن آب، خاک، هوا و آتش، زبانزد یونانیان باستان بوده است. هرودوت و گزنفون درباره‌ی آن قلمفرسایی‌ها کرده و نوشته‌اند: ایرانیان هیچ چیز آلوده و کثیف را در آب نمی‌ریزند و در پاک نگاه داشتن خاک و زمین مراقبت می‌کنند. در فرهنگ ایرانیان باستان، هر آنچه که داده‌ی خداست، پاک و دوست داشتنی است. خداوند این جهان شادی آفرین را با همه‌ی زیبایی‌هایش برای بهره‌برداری و لذت آدمیان آفریده است. همه‌ی مردمان در مقام امین باید، در حفظ

آن بکوشند. ارج‌گزاری به عناصر طبیعی، به مثابه اقرار به قدرت و عظمت خداوندی و پاس‌داشتن نعمت‌های بیکران او بوده است. داریوش در کتیبه‌ی بیستون می‌نویسد: اهورامزدا جهان را آفرید، مردمان را آفرید، شادی را آفرید و شادی را برای مردمان آفرید. پیش از ظهور زرتشت، ایرانیان خدایان سماواتی را می‌پرستیدند و به آن‌ها فدیه می‌دادند. زرتشت پرستش خدایان گوناگون را کفر دانست و مردم را به پرستیدن خدای یگانه فراخواند. پس از زرتشت، عده‌ای از مغ‌ها که حاضر نبودند به کلی از خدایان پنداری خویش دست بکشند، عده‌ای از آن‌ها را به‌عنوان فرشتگان آفریده‌ی اهورامزدا وارد دین کردند و برای این‌که منشا اثر باشند، برای هر یک وظیفه‌ای مرتبط با فرهنگ مردم معین کردند. این فرشتگان عموماً حامی و پشتیبان عناصر و پدیده‌های طبیعی شدند و به‌صورت فرمان‌برداران اهورامزدا او را در اداره گیتی یاری دادند. اهورامزدا دارای فروزه‌های نیک بی‌شمار است که از میان آن‌ها ۶ صفت برگزیده‌تر هستند که به هر یک از این صفات امشاسپند و به مجموع آن‌ها امشاسپندان می‌گویند. این کلمه از سه جزء تشکیل شده است: «أ: حرف نفی، مشه، از ریشه مر به معنی مرگ (جمع این دو بخش = أمشه: بی‌مرگ) سپنته: مقدسان، پاکان. امشاسپندان یعنی پاکان بی‌مرگ. امشاسپندان‌ها در واقع هفت جلوه یا صفت خداوند هستند که خدا آنان را بر حسب اراده خود آفرید. آن‌ها عبارتند از: سپند مینو (روح نیکوکار)، بهمن (اندیشه نیک)، اردیبهشت (راستی)، شهرپور (شهریاری مطلوب)، سپندارمذ (اخلاص)، خرداد (کمال) و امرداد (بی‌مرگی). مشخصه اصلی خدا (روح نیکوکار) یا (آفریننده) است. این مشخصه منحصرأ به خدا تعلق دارد اما جلوه‌های دیگر، تجلی‌هایی از خدا هستند که در هر کدام از آن‌ها، انسان می‌تواند سهم باشد. این جلوه‌ها وسیله‌هایی هستند که خدا را به انسان و انسان را به خدا نزدیک می‌کنند. از گفته‌های زرتشت چنین بر می‌آید که به واسطه اندیشه نیک است که آدمیان راه راستی را دنبال می‌کنند و به کمال و بی‌مرگی دست می‌یابند و بدان وسیله به شهریاری می‌رسند. امشاسپندان در بردارنده احساس، آرمان‌های والا و اندیشه‌ای عمیق‌اند.

چنانچه گفته شد هر کدام از امشاسپندان‌ها پشتیبان و نگاهبان یکی از عناصر گیتی و یک وظیفه مینوی شده‌اند.

”

اهورامزدا دارای  
فروزه‌های نیک بی‌شمار  
است که از میان آن‌ها  
۶ صفت برگزیده‌تر  
هستند که به هر یک از  
این صفات امشاسپند  
و به مجموع آن‌ها  
امشاسپندان می‌گویند

امشاسپند امرداد



به‌عنوان مثال در جشن سپندارمذگان، آرمیتی یا اسفند، پاسدار زمین و همچنین حامی و راهنمای احساسات و قلوب آدمیان است و آرامش و مهر می‌آفریند. فرشته سپندارمذ زن است و از این‌رو با آفرینش و با احساسات، مهر و دوستی همبستگی نزدیک دارد. اشا یا اردیبهشت پاسدار آتش، خشترا یا شهریور پاسدار فلز، اروتات یا خرداد پاسدار آب و امرتات یا امرداد پاسدار گیاهان است و هومن یا بهمن نیز فرشته پاسدار حیوانات در جهان مادی و نیز نگاه‌دارنده «سلامت اندیشه» در آدمی است. بهمن اولین و برترین امشاسپند است، مهم‌ترین و اولین فرشته درگاه اهورامزدا. صورت اصلی این کلمه، وهومن است که مرکب از دو کلمه است: (وهو) به معنی نیک و (من) به معنی ضمیر و وجدان و مصدر اندیشه و به عبارت دیگر وجدان نیک و خرد کامل است؛ آنچنان که بهمن در اوستا آفریده‌ی اهورامزداست، اکه‌منه که به معنی بدمنش است، توسط اهریمن آفریده‌شده و رقیب بهمن یا منش نیک است. بهمن، نخستین آفریده‌ی خداست و در طرف راست او جای دارد. اگر چه او پشتیبان حیوانات سودمند است، با انسان نیز سروکار دارد. اوست که گزارشی روزانه از اندیشه، گفتار و کردار مردمان تهیه می‌کند. پس از مرگ، بهمن، روان پارسایان را خوشامد می‌گوید و آنان را به بالاترین قسمت بهشت رهنمون می‌کند. در پس این تصویرسازی باز هم این اعتقاد وجود دارد که «اندیشه‌ی خوب» (بهمن) مظهر خرد خداست که در وجود انسان فعال است و انسان را به سوی خدا رهبری می‌کند، زیرا از طریق اندیشه نیک است که به معرفت می‌توان رسید. دیوانی که بهمن با آنان مخالف است عبارتند از: ایشمه (خشم)، آز (غلط‌اندیشی) و بالاتر از همه چنانکه گفته شد اکه‌منه یا اکومن (اندیشه بد).

### جشن بهمنگان

جشن بهمنگان از آن دسته جشن‌های فصلی به شمار می‌رفته که به مناسبت همنام‌شدن روز و ماه برگزار می‌گردیده است. این جشن در ایران باستان در روز دوم بهمن که نام روز و ماه یکی می‌شده است، برگزار می‌گردیده، اما به دلیل تغییراتی که در گاه‌شماری‌ها به وجود آمد، این جشن به روز بیست و ششم دی‌ماه منتقل گردید.



امشاسپند اردیبهشت



بهمن، نخستین آفریده‌ی خداست و در طرف راست او جای دارد. اگر چه او پشتیبان حیوانات سودمند است، با انسان نیز سروکار دارد. اوست که گزارشی روزانه از اندیشه، گفتار و کردار مردمان تهیه می‌کند. پس از مرگ، بهمن، روان پارسایان را خوشامد می‌گوید و آنان را به بالاترین قسمت بهشت رهنمون می‌کند



امشاسپند بهمن

اگرچه برخی از آداب و رسوم این جشن زیبا از یاد رفته و به ما نرسیده است ولی خوشبختانه بخش عمده‌ای از این مراسم به واسطه‌ی آثار مکتوب تاریخ‌نگاران و نویسندگان دوره‌ی اسلامی همچون ابوریحان بیرونی، اسدی توسی، فرخی، منوچهری و عثمان مختاری در گذر زمان از یاد نرفته است. چنان‌که از این آثار برمی‌آید، این جشن تا پیش از حمله‌ی مغول در ایران به صورتی فراگیر مرسوم بوده و آداب و تشریفات آن رواج عام داشته و حتی پس از آن دوران نیز به صورت پراکنده برگزار می‌شده است.

فرخی می‌گوید:

فرخش باد و خداوندش فرخنده کناد  
عید فرخنده و بهمنجه و بهمن ماه

منوچهری می‌گوید:

اورمزد و بهمن و بهمنجه فرخ بود  
فرخت باد اورمزد و بهمنجه

انوری می‌گوید:

اندر آمد ز در حجره‌ی من صبحدمی  
روز بهمنجه یعنی دوم بهمن ماه

”

چون دو روز از ماه بهمن  
می‌گذشت بهمنجه  
می‌کردند و این عیدی  
بود که در آن روز طعام  
می‌پختند و بهمن سرخ  
و بهمن زرد بر کاسه‌ها  
می‌افشاندند

در مورد این جشن، اسدی توسی، شاعر قرن پنجم هجری در کتاب لغت‌نامه‌ی خود زیر کلمه‌ی بهمنجه می‌نویسد که بهمنجه رسم عجم است. چون دو روز از ماه بهمن می‌گذشت بهمنجه می‌کردند و این عیدی بود که در آن روز طعام می‌پختند و بهمن سرخ و بهمن زرد بر کاسه‌ها می‌افشاندند. ابوریحان در کتاب التفهیم خود آورده است که بهمن نام گیاهی است که اکنون در اطراف خوزستان و دشت میشان می‌روید. ایرانیان در روز جشن، این گیاه را با شیر مخلوط کرده و می‌خورده‌اند.



چنان‌که دیده می‌شود گیاهی هم به نام بهمن خوانده شده است. این گیاه در زمستان و بهمن‌ماه می‌روییده است. در پزشکی این گیاه بسیار کاربرد داشته است. در تحفه‌ی حکیم مؤمن و در بحرالجاوهر، این گیاه سفید یا سرخ‌رنگ مانند زردک و خوشبو و با اندک صلابت و کجی تعریف شده است. همین گیاه است که در فرانسه به نام بهن خوانده شده و در گذشته ریشه‌ی آن به نام بهمن سرخ و بهمن سفید در داروخانه‌های اروپا برای درمان استفاده می‌شده است. ایرانیان ریشه‌ی گیاه بهمن را به صورت تازه یا پخته می‌خوردند و همچنین خشک‌شده‌ی آن را دم می‌کردند و یا به صورت پودر بر روی غذا می‌ریختند و اعتقاد داشتند که خوردن آن به تقویت حافظه کمک می‌کند.

در جشن بهمنگان، ایرانیان به مناسبت این‌که امشاسپند بهمن در جهان مادی نگهبان چارپایان سودمند است، از خوردن گوشت پرهیز می‌کردند. ایرانیان قدیم این روز را با احترام آن جشن می‌گرفتند و شادی می‌کردند و خود را برای پیروی از صفات پسندیده‌ی آن که راهنمای پیشرفت و سعادت است، آماده می‌ساختند.

در جشن بهمنگان یا بهمنجه از کشتار حیوانات و خوردن گوشت آنان خودداری می‌شد. ایرانیان باستان روزهای وهومن (دوم)، ماه (دوازدهم)، گوش یا گنوش (چهاردهم)، رام (بیست و یکم) را روزهای نبر می‌نامیدند و هر ماه در چهار روز نام‌برده نبر نگه می‌داشتند. در واقع در این روزها، گوسفند و سایر حیوانات سودمند را ذبح نکرده و گوشت آنها را نمی‌خوردند.

در عوض، مراسم پختن آش و مصرف غذاهای گیاهی همچون نان و پنیر و سبزی، نوشیدن شیر و شربت‌های گیاهی بسیار رایج و معمول بوده است.

در این روز در دیگی به نام بهمنجه، آشی به نام دانگو از گندم، ماش، عدس، نخود، باقلا و انواع حبوبات می‌پختند و مهمانی می‌دادند. این آش را هفت‌دانه نیز می‌گفته‌اند. گفته می‌شود که یکی از ویژگی‌های جشن بهمنگان تعاونی‌بودن آن است و به نظر می‌رسد هر یک از همسایگان برای پختن آش، دانگ خود را به خانه‌ای که آش در آن پخته می‌شده، می‌داده است و با همین علت نام این آش را دانگو گذاشته‌اند، چون در آشی که فراهم می‌آمده است، همه‌ی همسایگان سهیم بوده‌اند.



گیاه بهمن



ایرانیان ریشه‌ی گیاه بهمن را به صورت تازه یا پخته می‌خوردند و همچنین خشک‌شده‌ی آن را دم می‌کردند و یا به صورت پودر بر روی غذا می‌ریختند و اعتقاد داشتند که خوردن آن به تقویت حافظه کمک می‌کند



یکی دیگر از مراسم این روز پوشیدن لباس سفید بوده است. در کتاب اندرز آذرباد، توصیه شده است که مردم از بستر و جامه‌ی نو و سفید در این روز استفاده کنند. پویندگان لباس سفید در حقیقت با این عمل سمبلیک، بیزاری و برائت خود را از هرگونه ناپاکی و پلیدی، خون‌ریزی و کشتار، آزار و اذیت حیوانات نشان‌داده و با دسته گل‌های سفید به دیدار یکدیگر می‌رفته‌اند و این گل‌ها را به هم تقدیم می‌کردند.

خروس که از پرندگان مقدس به‌شمار می‌آمده است و در سپیده‌دم با بانگ خویش دیو ظلمت را رانده، مردم را به بیداری، عبادت و کشت و کار می‌خواند، نماد بهمن است. مردم بر این باور

بودند که از میان حیوانات این خروس است که همانند سروش با بانگ هوشیاری‌دهنده و بیدارکننده‌ی خود، نویدبخش روزی روشن با اندیشه‌ای پاک بوده و آنها را به سپیدی، روشنائی و پاکی در اندیشه، بیزاری از خون‌ریزی و کشتار حیوانات و پایمال نکردن حقوق آنها فرا می‌خواند.

گفته شده که پیک سروش همان جبرائیل است. سروش فرشته‌ای بوده است که شب را پاسبانی می‌کرده است. اعتقاد بر این بود که سروش در شب‌هنگام که مردم در خوابند سه بار برخیزد، جن‌ها را براند و جادوان را باطل کند. از برخاستن خویش شب را بدرخشاند و جو هوا را خنک و آب را شیرین گرداند و خروس را به بانگ‌زدن گمارد.

بعد از اسلام آوردن ایرانیان، علمای دین به جشن‌های باستانی و اسطوره‌ای آنها احترام گذاشته و آن را پاس می‌داشتند. از جمله در مورد جشن بهمنگان، ملا محسن فیض کاشانی ذکر می‌کند که دوم بهمن، روز خوبی است... فارسیان گویند روز خوبی

”

**خروس که از پرندگان مقدس به‌شمار می‌آمده است و در سپیده‌دم با بانگ خویش دیو ظلمت را رانده، مردم را به بیداری، عبادت و کشت و کار می‌خواند، نماد بهمن است**



است و ما می‌گوییم روز مبارکی است. تزویج کنید و از سفرها در این روز داخل خانه‌ی خود شوید و در این روز سفر کنید و خرید و فروخت نمایید و حاجت‌ها بطلبید از هر نوع که باشد که روزی پسندیده است.

### حمایت از حیوانات در ایران باستان

تاریخچه‌ی حمایت از حیوانات در ایران به بیش از دو هزار سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. در کتاب اوستا به کرات در مورد حیوانات توصیه شده است. به‌عنوان مثال در گات ۳۹ چنین آمده است که این‌چنین گرامی می‌داریم چهارپایان را که مایه‌ی زندگی ما هستند، که ما برای آنها ایم و آنها برای مایند... . در گات ۷۱ نیز چنین آمده است که همه‌ی جانوران آبی، زمینی، پرنده، رونده و چرنده را گرامی می‌داریم.

در کتاب تاریخ پزشکی ایران به نقل از اوستا آمده که بر مؤمنان واجب است که به هر موجود بارداری خواه دو پا و خواه چهار پا به یک‌چشم بنگرند.

اگرچه جشن بهمنگان جشن بزرگی است که به مبحث حمایت از حقوق حیوانات محدود نمی‌شود و دایره‌ی بسیار وسیع‌تری را در برمی‌گیرد و به قولی جشن پیروزی منش نیک بر سیاهی‌ها و کژاندیشی‌ها به حساب می‌آید، اما از آنجا که مقوله‌ی حمایت و پاسداری از حیوانات و حقوق آنها از جلوه‌های بارز و نمودهای ویژه‌ی سنن ایرانی است، برگزاری جشن حمایت از حیوانات همزمان با بهمنگان که در آن همگان به توجه بیش از پیش به حقوق حیوانات فراخوانده می‌شوند، خالی از لطف نخواهد بود. با توجه به پیشینه‌ی تاریخی این دو روز در ایران باستان، انجمن حمایت از حیوانات پیشنهاد ثبت این روز را به‌عنوان روز حمایت از حیوانات در تقویم رسمی کشور به شورای فرهنگ عمومی ارائه داده است. حامیان حیوانات در ایران به‌عنوان یک وظیفه‌ی عمومی، این روز را به‌عنوان روز حمایت از حقوق حیوانات به رسمیت شناخته‌اند و تلاش‌های پرثمری از طرف انجمن‌های مختلف مردم‌نهاد در آموزش نسل جدید در این زمینه انجام داده است.

«فهرست منابع در دفتر مجله‌ی وندا موجود است»



تاریخچه‌ی حمایت  
از حیوانات در ایران  
به بیش از دوهزار  
سال قبل از میلاد  
مسیح باز می‌گردد. در  
کتاب اوستا به کرات  
در مورد حیوانات  
توصیه شده است